

باسمه تعالی

نگاهی به بانکداری اسلامی و ضرورت بکارگیری  
اوراق مشتقه

سخنران:

دکتر فرهاد ریاضت

باسمه تعالی



قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ (رسول الله ﷺ)

ریاضت، فرهاد

نگاهی به بانکداری اسلامی و ضرورت بکارگیری اوراق مشتقه /  
سخنران: فرهاد ریاضت - تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، مرکز تحقیقات، ۱۳۸۴.  
۲۱ ص.

توصیفگرها: بانک و بانکداری(اسلام)، اسلام و اقتصاد، مشتقات مالی  
شماره بازیابی: ۱۳۸۴-۱-۵۱

- |  |  |
|--|--|
| عنوان: نگاهی به بانکداری اسلامی و ضرورت بکارگیری اوراق مشتقه | پیاده کردن نوار: مهدی اسماعیل پور                |
| سخنران: دکتر فرهاد ریاضت                                     | حروفچینی: مهرداد کریم پور                        |
| برگزارکننده: گروه نظام مالی اسلامی مرکز تحقیقات              | صفحه آرایی: غفور بابایی                          |
| تاریخ برگزاری: ۱۳۸۴/۹/۸                                      | شماره گزارش: ۸۴-۱-۵۱                             |
| تاریخ تنظیم: ۱۳۸۴/۱۱/۸                                       | • کلیه حقوق این اثر متعلق به مرکز تحقیقات است.   |
| حوزه مطالعاتی: نظام مالی اسلامی                              | • آراء مندرج در این اثر، ضرورتاً آراء ناشر نیست. |
|  | • استفاده از این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.  |

آدرس: تهران بزرگراه شهید چمران. پل مدیریت. دانشگاه امام صادق (ع). مرکز تحقیقات  
تلفکس: ۸۸۰۸۳۷۹۴

E-mail: [research@isu.ac.ir](mailto:research@isu.ac.ir)

[www.isu.ac.ir/research\\_center.htm](http://www.isu.ac.ir/research_center.htm)

## سخن ناشر

پرسش از دیدگاه و اصول اسلامی در حوزه نظام مالی اسلامی با توجه به رشد فزاینده مطالعات و معادلات مالی در این زمینه، به سؤالی بس مهم تبدیل شده است که بنظر می‌رسد با توجه به اصول و ملاحظات مالی - اقتصادی صریح اسلام، نمی‌توان به سادگی از کنار آن گذشت. افزون بر آن، تحول بازار مالی کشور متأثر از رخدادهای داخلی و خارجی و افزایش سهم تأثیرگذاری آن در ساختار اقتصاد ملی، دلالت بر آن دارد که از حیث عملیاتی نیز لازم است تا مراکز علمی - کاربردی کشور نسبت به ارایه پاسخی در خور برای این سؤالات حساس باشند.

مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع) با تفتن به همین ضرورت بوده است که از سال ۱۳۸۳ گروه مطالعاتی نظام مالی اسلامی را در مرکز فعال و تاکنون نسبت به تولید متون علمی و گزارش‌های راهبردی متعددی اقدام نموده است که هر یک نقشی در شکل‌گیری حوزه مطالعاتی و عملیاتی نظام مالی کشور داشته‌اند. گزارش حاضر نیز در همین راستا تهیه و منتشر شده است. لازم به ذکر است که متن محصول سخنرانی‌ای است که با همین عنوان در دانشگاه امام صادق (ع) ایراد گردیده است. ناشر امیدوار است از طریق طرح دیدگاه‌های مختلف و تضارب آراء تخصصی، بتواند زمینه مناسب برای نیل به تصمیمات علمی - کاربردی را در جامعه فراهم سازد. برای این منظور همچون قبل، آمادگی خود را جهت دریافت و انتشار سایر دیدگاهها اعلام می‌دارد.

دکتر اصغر افتخاری

رئیس مرکز تحقیقات

## مقدمه

موضوع این جلسه عبارت است از: «مقدمه‌ای بر بانکداری اسلامی و لزوم استفاده از مشتقات اسلامی». بحث بانکداری اسلامی برای اولین بار، ۴۲ سال پیش توسط Social Bank مطرح شد. در آن زمان بانکداری اسلامی با افتتاح حساب سپرده بدون بهره (بدون اینکه عنوان Islamic Banking داشته باشد) در کشور مصر آغاز شد. در آن زمان مسلمانان از این طرح بسیار استقبال کردند. در سال ۱۹۷۴، بانک توسعه اسلامی (IDB) اولین بانکی بود که با عنوان مشخص Islamic Banking تأسیس شد. در فاصله ۳۰ سال اخیر بحث بانکداری اسلامی به صورت گسترده در حوزه کشورهای خاورمیانه، اروپا و تا حدی در خود امریکا مطرح شده است. به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۰ میلادی، حجم عملیات در حوزه Islamic Finance در حدود ۳۰۰ میلیارد دلار بوده است.

## الف. بانکداری اسلامی در جمهوری اسلامی ایران

بانکداری اسلامی بر دو اصل استوار شده است: اجتناب و دوری از ربا، و عدم مشارکت در فعالیتهای منافی شرع. ربا هم در منابع می‌تواند وجود داشته باشد و هم در مصارف. در بانکها، منابع در واقع سپرده‌های جذب شده از مردم است و مصارف نیز اختصاص سپرده‌ها به مشتریان (بصورت وام) و سایر فعالیت‌ها می‌باشد که البته این فعالیت‌ها باید مطابق شرع و اصول مالی اسلامی باشد. بنابراین، این دو اصل پایه‌های بانکداری اسلامی را تشکیل می‌دهند.

بانکداری اسلامی در ایران بصورت مشخص در قالب یکسری عقود اسلامی که در سال ۱۳۶۳ تحت عنوان عملیات بانکداری بدون ربا تصویب شد و به مرحله اجرا درآمد. عملیات بانکداری بدون ربا برای مدت سه سال به صورت آزمایشی و موازی با عملیات بانکداری قبلی اجرا گردید. پس از آن اجرای عملیات بانکداری بدون ربا برای تمام بانک‌های ایران اجباری شد که در آن از یکسری عقود اسلامی مثل مرابحه، مشارکت، مضاربه، جعاله، اجاره به شرط تملیک و ... استفاده می‌شود.

نکته مهمی که در این عقود وجود دارد این است که بیشتر براساس equity venture پایه‌ریزی شده‌اند. تقسیم سود و زیان در این عقود بگونه‌ای است که تمام افرادی که در این عقود وارد می‌شوند (اعم از حقیقی و حقوقی) در ریسک و بازده شریک باشند. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا اصولاً ریسک در اسلام جایگاهی دارد و آیا اسلام مقوله ریسک را پذیرفته است؟ چون اگر ریسک از نظر اسلام پذیرفته شده باشد آنگاه می‌توانیم بحث ریسک و بازده (Risk & Return) را مطرح کنیم.

به نظر می‌رسد که بسیاری از بحث‌های مالی در اسلام، اساس تقسیم سود و زیان را در پذیرش ریسک می‌دانند. یک اصل فقهی وجود دارد که «من له الهرم فعلیه الغرم و من علیه الغرم فله الهرم» به نظر می‌رسد

این اصل فقهی کاملاً بحث ریسک را مطرح می‌کند و اینکه هر کسی که ریسک می‌پذیرد به همان اندازه در بازدهی شریک است و همان اندازه که بازدهی دارد در ریسک هم باید مشارکت داشته باشد. این یک بحث بسیار مهم است زیرا شراکت در ریسک و بازده در بسیاری از عقود مطرح است. در عقد مشارکت، مضاربه و جعاله این موضوع مطرح است که تقسیم ریسک و بازده به چه صورت باشد. بنابراین بحث ریسک و مبنای بازدهی براساس ریسک بحث جدی و اساسی است که در حوزه بانکداری اسلامی وجود دارد.

حال اگر بخواهیم عملکرد بانکداری اسلامی را در کشور ایران بررسی کنیم به چه نتیجه‌ای می‌رسیم؟ همان طور که بیان شد فرآیند عملیات بانک بر تجهیز منابع و تخصیص آن استوار است. تجهیز منابع در اصل از طریق سپرده‌ها و یک سری ابزارها (Instruments) که باید بکار گرفته شود تا پولها را جذب بانک کند، انجام می‌شود و تخصیص منابع نیز بصورت اعطای وام و یا در قالب یکسری ابزارهای دیگر است که این پول را به مشتری‌ها اختصاص می‌دهد. حال ما عملکرد بانکداری را از دو بعد می‌توانیم بررسی کنیم. بعد اول در واقع کارهای ابتکاری و ابزارهایی است که در این مدت طراحی شده است. بعد دوم نیز بعد اجرایی و کاربرد عملی این ابزارهاست.

## ۱. طراحی

در بعد اول به نظر می‌رسد کار چندان زیادی صورت نگرفته است هر چند که در این مدت Islamic Finance و Islamic Banking در دنیا رشد مناسبی داشته و حجم عملیات آن در سال ۲۰۰۰ همان طور که بیان شد در حدود ۳۰۰ میلیارد دلار بوده است که با رشدی معادل ۲۰ درصد در سال نیز در حال گسترش است. در ایران در سال ۱۳۶۳ مصوبه‌ای به عنوان عملیات بانکداری بدون ربا به تصویب رسید که بحث عقود اسلامی نیز در آن وجود دارد. این مصوبه، گام بسیار مهمی بود که در آن زمان برداشته شد. اما از سال ۶۲ تاکنون هیچ چیز مهم دیگری در این زمینه مشاهده نمی‌شود. بنابراین در بعد اول یعنی طراحی ابزار اتفاق چندان مهمی از سال ۶۲ تاکنون رخ نداده است. در حالیکه در دنیا اتفاقات مهمی در این زمینه رخ داده است. به عنوان مثال بانک‌های زیادی در حوزه Islamic Banking فعالیت می‌کنند و از جمله آنها می‌توان به HSBC اشاره کرد که یکی از بخشهای موفق این بانک بخش بانکداری اسلامی آن می‌باشد. مهمترین انگیزه این بانک برای توسعه بحث بانکداری اسلامی مشتریان بانک می‌باشد. زیرا به هر حال در سراسر دنیا افرادی وجود دارند که ترجیح می‌دهند وام‌هایی را که از بانک می‌گیرند و یا سپرده‌هایی که نزد بانک دارند بصورت اسلامی و مطابق

با شرع اسلام باشد. وجود این مشتریان انگیزه مناسبی برای بانکها بوجود می‌آورد که به سوی بانکداری اسلامی روی آورند. در انگلستان بانکها و نهادهای مالی تحت نظارت "Financial Services Authority" فعالیت می‌کنند. FSA در واقع نماینده بانک مرکزی است که بر فعالیت کلیه نهادهای مالی نظارت می‌کند. در FSA یک بخش بزرگ وجود دارد که بر فعالیت‌های بانکداری اسلامی نظارت می‌کند. آنها در حقیقت فعالیت‌های بانکداری اسلامی و غیراسلامی را تفکیک کرده‌اند و بنابراین نظارت بر آنها را نیز بصورت جداگانه انجام می‌دهند.

## ۲. عملکرد

اما در بعد دوم اگر بخواهیم فعالیت بانکداری اسلامی ایران را بررسی کنیم باز می‌بینیم که بسیاری از بحث‌ها در عمل نیز با مشکل مواجه شده است و ما به آنها توجه نکرده‌ایم. یک بحث بحث سپرده‌هاست (Deposits) که بانکها سپرده را جذب می‌کنند و به صورت علی‌الحساب سود پرداخت می‌کنند و این طور نیست که براساس ریسک و بازده به آنها سود پرداخت کنیم که دلیل عمده آن ضعف سیستم بانکداری است یعنی سیستم بانکی به اندازه کافی کارایی ندارد که بتواند این مکانیزم را اجرا کند. زیرا این کار بسیار مشکل است. مثلاً در انگلستان بانکهای مختلفی روی Islamic Banking کار می‌کنند و از جمله بانک HSBC که شاید یکی از موفق‌ترین قسمت‌هایش همان قسمت Islamic Banking است.

برای اینکه این دیپازیت‌ها عمدتاً یکجا جمع می‌شود و در منابع بانک گسترده می‌شود و ما هم این سیستم را نداریم که اینها را تک تک چک کنیم لذا سود را روی کل عملیات بانک محاسبه می‌کنیم. بعضی وقت‌ها هم اصلاً intention وجود ندارد. این میل وجود نداشته که این کار را انجام بدهیم لذا کمتر می‌بینید هر سال بانکها سود دیپازیت‌های مختلف را حساب کنند و بگویند ما برای این دیپازیت به عنوان مثال ۲۴٪ سود بدست آوردیم و از این ۲۴٪ به شما ۱۵٪ علی‌الحساب دادیم حالا ۹٪ دیگر هم باید پرداخت کنیم یا اینکه نه به شما بگویند که ما از این دیپازیت ۱۲٪ سود بدست آوریم و چون شما ۱۵٪ گرفتید ۳٪ بقیه را ما صلح می‌کنیم.

از یک زاویه دیگر مثال می‌زنیم. در عملیات خارجی بانک‌هایمان مشخصاً گفته شده است که بانکداری خارج از ایران یعنی بانکداری ایران خارج از مرزهای ایران شامل مقررات بانکداری بدون ربا نمی‌شود و استثنا می‌باشد. برای اینکه عمدتاً شعب خارج از کشور سودی را که دریافت می‌کنند از کفار است و این شامل عملیات بانکداری نمی‌شود و اشکال ندارد. ولی در عمل که نگاه می‌کنیم می‌بینیم حتی ۱٪ سودی که شعب خارجی ما گرفته از

کفار نیست و از همین داخل است. مثلاً شعب خارجی بانکهای ما به ایران خودرو، وام دلاری می‌دهند. و یا اینکه به خیلی از شرکت‌هایی که داخل ایران هستند وام داده می‌شود. بنابراین با قراردادهای رسمی ربوی در بیرون کار می‌کنیم، چون در داخل بانکهایمان با قراردادهای رسمی ربوی کار نمی‌کنند. ولی خارج از کشور عملیات بانکهایمان عملیات رسمی ربوی است که قراردادها را اگر نگاه بکنید می‌بینید رسماً ربوی است و دارای Fix Interest یا سود ثابت است. ولی آن موقع بحث این بود که قراردادها با غیر مسلمانانها بسته می‌شود و لذا حالا یک طور دیگری باید به آن نگاه کرد. چه اصلی بوده و بر مبنای چه اصلی در حقیقت این عملیات را توجیه کرده‌ایم. والان به عملکرد که نگاه می‌کنیم می‌بینیم کاملاً متفاوت است و کاملاً قراردادهای رسمی ربوی با شرکت‌های داخل ایران منتهی از خارج از کشور بسته می‌شود. اگر از این زاویه (ما داریم از زاویه بانکداری اسلامی نگاه می‌کنیم) نگاه کنیم می‌بینیم این قرارداد کاملاً ربوی است و آن درآمدی که برای شعبه ایجاد می‌شود هرچه که هست با درآمد کل بانک جمع می‌شود. مثلاً فکر کنید ۱ میلیون دلار یا ۲ میلیون دلار بعد سؤال جدی که ایجاد می‌شود این است که تکلیف مال حلال مخلوط به حرام چه می‌شود. یعنی اگر فکر کنیم که آن مال حرام است و ربا است و اگر هم فرض کنیم که سایر منابع بانک به طور مشخص ربا نیست، حال اگر ما این دو را با هم مخلوط کردیم شما باید جواب دهید تکلیف این مال چه می‌شود.

پس از نظر عملکردی هم که نگاه می‌کنیم می‌بینیم خیلی جای کار دارد. در اینجا چند مثال را عرض می‌کنیم که یک مقداری برای همه ما ملموس باشد. به نظر می‌رسد که فلسفه یک جایی گم شده است. بعد در همین دوران می‌بینیم که عملیات Islamic Finance به شدت در دنیا رشد می‌کند. شما ۲۵ سال پیش که ایران عملیات بانکداری اسلامی را شروع کرده می‌بینید که اصلاً عملیات بانکداری اسلامی شناخته شده نبوده است. البته نه اینکه هیچ کجا نبوده، من ۱۹۶۳ مصر را عرض کردم از آنجا شروع شده ولی به این شناخته شدگی نبوده است. ولی می‌بینیم زمانی که city bank، HSBC و AMZ که همه بانکهای اروپایی هستند وارد عملیات بانکداری اسلامی شدند ما نسبت به آن حداقل در عمل غافل می‌مانیم. باز عرض می‌کنم چون همه چیز نسبی است دیگر بحث سیاه و سفید نیست من به صورت نسبی از این موضوع صحبت می‌کنم. عرض می‌کنم برای سال ۶۳ مصوبه عملیات بانکداری بدون ربا بسیار کار خوبی بوده و بالاخره بعد از چند سال که کشور درگیر انقلاب و جنگ بوده، مصوبه‌ای می‌آید و می‌گویند به این سمت حرکت می‌کنیم. ولی از آن به بعد هم در اجرا و هم در بحث (Innovation) کار چندان مهمی صورت نگرفته است. بحث کارشناسی از بحث علقه مذهبی جداست. در این بانکها هم که بعضی‌ها را نگاه می‌کنید می‌بینید اشخاصی کار می‌کنند که اصلاً مسلمان نیستند. به قول خودشان حرفه‌شان این است. کافر آمده است که این کار را بکند منتهی روشش را می‌شناسد. می‌داند بهره چیست و باید اینگونه تحلیل کند. حال امکان دارد آنجایی که نظر مسلمانها را لازم دارد

از یک گروه فقهی نظرخواهی کند ولی می‌خواهم عرض کنم که وقتی می‌خواهیم به دنبال بانکداری اسلامی برویم لزوماً به این معنا نیست که حتماً باید یک علقه مذهبی جدی پشت آن باشد. آن خیلی کمک می‌کند ولی لزوماً به این معنا نیست و این یک کار کارشناسی لازم دارد. موضوعی که مطرح است این است که ما از بحث کارشناسی غافل شده‌ایم.

### ب. بازار مالی

در متن بسیاری از کتابها اگر نگاه کنیم که می‌بینیم موتور محرکه اقتصاد را بازار مالی معرفی می‌کنند برای اینکه شما هر فعالیتی که بخواهید انجام دهید به پول نیاز دارید. در ایران شما نمی‌توانید فعالیتی انجام دهید که به پول نیاز نداشته باشد. پس اگر قبول کنیم بازار محرکه اقتصاد بازار مالی است، و بازار مالی هم ربط به بازار بانکی دارد. بازار مالی ما عمدتاً دو تاست، بازار پول و بازار سرمایه. بازار سرمایه ما هنوز جوان است و از سال ۱۳۶۹ راه اندازی شده است و الان هم تغییراتی ایجاد شده ولی این تغییرات در حوزه بازار سرمایه خیلی زیاد نیست. البته تلاش‌های زیادی شده است مثلاً حداقل فرهنگ سهام به مردم معرفی شده است آمارها نشان می‌دهد حدود ۳ میلیون نفر وارد بازار سهام شده‌اند حالاً به سقوط و صعود کار نداریم وقتی شما با سایر بازارها مقایسه می‌کنید می‌بینید این بازار خیلی کم عمق است و خیلی جوان است. وقتی می‌بینیم بازارهایی مثل ترکیه فرض کنید سابقه‌ای در حدود ۸۰ سال دارد با آن حجم عملیات که آنها دارند درمی‌یابیم که بازار ما بسیار جوان است.

در بازار پول ما هم تنها بازیگران بازار پول، بانک‌ها هستند بانک‌ها هم دو دسته‌اند: خصوصی و دولتی. در سال ۱۳۸۱ طبق آماري که بانک مرکزی ایران منتشر کرد در حدود ۱٪ کل بازار پول در دست بانکهای خصوصی بود و ۹۹٪ آن در اختیار بانکهای دولتی بود. (هر چند که سهم بانکهای خصوصی در پایان سال ۱۳۸۳ به ۷ درصد افزایش یافته است). پس اگر ما بخواهیم به بازار پول برگردیم و اگر بخواهیم اشتغال ایجاد کنیم، اگر بخواهیم در حوزه توسعه حرکت کنیم باید به حوزه بازار پولمان توجه زیادی داشته باشیم. بازار سرمایه نیز حتماً باید مورد توجه قرار بگیرد. در حال حاضر به این جمع بندی می‌رسیم که بازار پولمان بیشتر منابع را در دست دارد و بنابراین باید آن را گسترش دهیم ولی از بازار سرمایه هم نباید غافل شویم. حتی در بحث سرمایه گذاری هم باز نهادهای آن به نهادهای بازار پول و سرمایه برمی‌گردد مثل Investment bank ها که ما کمتر داریم. اجازه دهید از بازار داخل خودمان مثال بزنیم.

حال که بازار پول ما اینقدر مهم است ما باید نیازها را بشناسیم. این جا بحث اصلی ماست، به همین دلیل ما باید نیازهای مردم را بشناسیم و باید ببینیم در داخل کشور پول از کجا می‌آید. یا از محل پس اندازهای مردم



می‌آید که مردم سپرده گذاری می‌کنند یا باید از منابع بین‌المللی در خارج از کشور استفاده کنیم و ما در این زمینه کار چندانی انجام نداده‌ایم.

ابزارهایی که ما برای جذب پول استفاده می‌کنیم سپرده گذاری و اوراق مشارکت است در حالیکه در دنیا ابزارهای خیلی گسترده تری وجود دارد. این ابزارهایی که ما تعریف کرده‌ایم با نیازهای مردم منطبق نیست و خیلی از نیازهای مردم وجود دارد که ما Instrument و ابزارش را تعریف نکرده‌ایم و این یک بحث جدی است.

در بحث‌های علمی ما باید از خودمان شروع کنیم و از بحث‌های ملموس استفاده کنیم. من یک روز به یک نمایشگاه ماشین در انگلیس رفتم. من گفتم این اتومبیل را می‌توان به ایران هم برد آنها گفتند این ماشین با استانداردهای ایران طراحی نشده است. از او سؤال کردم یعنی چه که با استانداردهای ایران طراحی نشده است؟ گفت ما این ماشین را برای این محیط طراحی کرده‌ایم. باز هم نفهمیدم گفتم منظورتان آب و هواست؟ گفت آب و هوا هم یکی از آنهاست. او به عنوان مثال به من گفت: ما اندازه جدول‌های کنار خیابان در انگلیس را می‌دانیم و این ماشین طوری طراحی شده که اگر درب آن باز شود با این جدول‌ها برخورد نمی‌کند. یعنی این ماشین با این استاندارد ساخته شده است. با این مثال ساده می‌فهمیم که مثلاً اگر یک اتومبیلی در یک کشور خیلی خوب کار می‌کند و شیک است لزوماً به این معنا نیست که همه جا همین طور باشد. این دیدگاه در خیلی موارد صادق است و در بحث‌های مالی هم همین است. اگر یک ابزار در بازار مالی دنیا کار می‌کند به این معنا نیست که آن را ترجمه کنیم. چون آن ابزار برای یک بازار مالی خاص طراحی شده است و لزوماً با بازار مالی کشور ما مطابقت ندارد.

در حوزه بحث‌های مالی فعالیت‌های زیادی در کشور داریم چون صحبت از این است که ما خیلی از دنیا فاصله داریم اجازه دهید با یک دیدگاه دیگر به این مساله نگاه کنیم. آیا ما تا بحال فکر کرده‌ایم قرار نیست ما پشت سرنوآوری‌های مالی دنیا حرکت کنیم. یعنی قرار نیست این دنیای مدرن را نگاه کنیم و سپس آن را براسلام منطبق کنیم. این گونه نیست مثلاً گوشت حلال برای افرادی که در کشورهای غیراسلامی زندگی می‌کنند خیلی مهم است و به همین دلیل گوشت حلال خیلی زیاد شده است. و حتی خیلی از ابزاری هم که مسلمان نیستند می‌گویند این گوشت حلال خوشمزه‌تر است.

در حوزه مالی هم اگر بخواهیم مثال بزنیم بحث mortgage اسلامی (وام‌های مسکن اسلامی) حدود ۳-۴ سال است که ایجاد شده و رشد کرده است. خیلی از افرادی که مسلمان هم نیستند می‌گویند اینها به نفع ماست (این mortgage اسلامی به نفع ماست) ممکن است ۴۰ نوع وام دیگر هم برای مسکن وجود داشته باشد ولی آن فرد احساس می‌کند که نفع شخصی‌اش در این است که از این وام مسکن اسلامی استفاده کند، علقه مذهبی

پشت این مسأله وجود ندارد ولی نفع شخصی‌اش در این است که از وام اسلامی استفاده کند. ما حتی بسیاری از محصولات خودمان را بازاریابی نکرده‌ایم و شاید اینها مثالهای خوبی باشد که اگر ما بتوانیم خودمان چیزهایی را طراحی کنیم شاید بتوانیم اینها را به دنیا هم بقبولانیم.

اینکه ما بیائیم از این رویکرد استفاده کنیم و ببینیم که در غرب چه چیزهایی وجود دارد و بعد بیائیم آن را براسلام منطبق کنیم در این رویکرد ما خیلی چیزها را از دست می‌دهیم.

مثلاً اگر بخواهیم در بازار مالی مثالی بزنیم ما سالها است که به دنبال سرمایه‌گذاری خارجی هستیم و مرتباً می‌گوئیم که ایرانی‌های خارج از کشور ۲۰۰ میلیارد یا بیشتر سرمایه دارند آیا ما برای اینها ابزاری را طراحی کرده‌ایم؟ من خود با بعضی از این افراد روبرو شده‌ام مثلاً یکی از آنها به من گفت آیا شما می‌توانید این مقدار پول را در ایران سرمایه‌گذاری کنید بطوری که کسی نتواند آن را برداشت کند چون من یک مادر پیر در ایران دارم و فقط می‌خواهم این پول را در اوراق مشارکت سرمایه‌گذاری کنم تا مادرم براحتی بتواند سودش را دریافت کند و از آن استفاده نماید. قطعاً جواب این فرد در option نیست. چون آنها یک نیازی داشته‌اند و آن را برای خودشان طراحی کرده‌اند. منظور من این نیست که ما نباید با این ابزارها آشنا شویم ولی این بحث که ما بینیم نیازهای خودمان چیست خیلی مهم است.

### ج. ابزارهای مالی

اگر این بحث را در حوزه Islamic Derivatives مطرح کنیم اول باید ببینیم Derivatives چیست و آیا اینها در کشور ما جا افتاده است یا نه؟ Derivatives به صورت خیلی ساده یک ابزار است که شما روی یک underlying asset (دارائی) آن را تعریف می‌کنید و این دارائی بعضی وقتها یک دارایی حقیقی است و بعضی وقتها دارایی مجازی مثلاً option یک Derivaitve است یعنی اگر به طور ساده بخواهم بگویم مثلاً من آدم بدبینی هستم و فکر می‌کنم که در ۶ ماه آینده دلار ۱۷۰۰ تومان می‌شود و فرد دیگری که خوش بین است فکر می‌کند که دلار در ۶ ماه آینده ۷۰۰ تومان می‌شود یا نه فکر می‌کند همین ۹۵۰ می‌ماند. من که بدبین هستم می‌روم دلار می‌خرم چون فکر می‌کنم دلار ۱۷۰۰ تومان می‌شود و هر چه پول دارم دلار می‌خرم و در خانه می‌گذارم به امید اینکه دلار ۱۷۰۰ تومان بشود. همین افرادی که مثل من فکر می‌کنند باعث ایجاد تقاضای کاذب در بازار می‌شوند و این مسأله باعث افزایش نرخ دلار می‌شود. اندیشمندان مالی برای پاسخ به این نیاز یک ابزار طراحی کرده‌اند و گفته‌اند این یک بحث اقتصادی است و ما باید آن را حل کنیم. ما این نیازها را در کشور خودمان هم داریم. در کشورهای دیگر از چه طریق این مسئله را حل کرده‌اند؟ به این نتیجه رسیده‌اند که به عنوان مثال من که فکر نمی‌کنم دلار ۱۷۰۰ شود یک ورقه‌ای به شما که فکر می‌کنید ۱۷۰۰ می‌شود می‌دهم و تضمین می‌کنم که به شما دلار را ۹۷۰ تومان در همان تاریخ (۶ ماه آینده) بفروشم و دیگر نیاز نیست

که شما از هم اکنون دلار را خریداری کرده و نگه دارید چون این برگه‌ها را در اختیار دارید و اگر در ۶ ماه آینده قیمت دلار به ۱۷۰۰ تومان رسید برگه‌هایتان را می‌آورید و می‌گویید شما این برگه را تضمین کرده‌اید و توافق کرده‌ایم که ۱۰۰ دلار را به قیمت هر دلار ۹۷۰ به من بفروشید. این ۹۷۰/۰۰۰ تومان را بگیرد و ۱۰۰۰ دلار من را بدهید اما اگر دلار به ۱۷۰۰ تومان نرسد و ۹۵۰ تومان شود این برگه دیگر ارزشی برای شما ندارد چون من تضمین کرده‌ام که دلار را در ۶ ماه آینده به قیمت ۹۷۰ تومان به شما بفروشم در صورتی که هم اکنون شما می‌توانید دلار را به قیمت ۹۵۰ تومان در بازار تهیه کنید. اصلاحاً به این ورقه option گفته می‌شود. که کارکرد اقتصادی فراوانی دارد. در اینجا ما دارائی پایه را دلار تعریف کردیم در حالیکه خیلی چیزهای دیگر را هم می‌توان به عنوان دارائی پایه قرار داد. مثل نفت، طلا و ...

Option که یک مشتقه یا Derivative است کارکرد زیادی دارد و یک نیاز برای همه جوامع است و اصلاً بازار مبنایش عرضه و تقاضاست پس ما عمدتاً می‌آئیم Drivatives را تعریف می‌کنیم که روی یک asset پایه‌گذاری شده است.

بحث دیگری که مطرح می‌شود این است که ما از این ابزارها تا چه حد می‌توانیم در بازارهای مالی خودمان استفاده کنیم تا منابع بیشتری را تجهیز کنیم و این یکی از اصول دیگری است که در زمینه Drivatives وجود دارد.

یعنی یک بانک چه ابزارهایی را می‌تواند استفاده کند تا منابع را جمع‌آوری کند. البته ابزارهایی را که براساس نیاز مردم طراحی کرده است یک بحث جداگانه است. یک بحث هم بحث داخلی است مثلاً بانک‌های مسکن دنیا از جمله بانک مسکن ما یک منابعی دارد که از محل آن به شما وام می‌دهد و شما می‌روید مسکن می‌خرید و مسکن‌تان را در گرو بانک می‌گذارید و ما هم این سند را نگه می‌داریم تا شما باز پرداخت نمایید و سند را آزاد کنید. در دنیا بانک‌های مسکن تقریباً هیچ کدام دیگر این گونه عمل نمی‌کنند. وام را می‌دهند و سند را از شما می‌گیرند و این سند asset بانک می‌شود و بانک روی آن asset، یک asset backed security (ABS) صادر می‌کند. یعنی اوراقی را صادر می‌کند و دوباره می‌فروشد.

و این asset در ایران نیز زیاد است چون مثلاً آپارتمان شما ۴۰ میلیون تومان ارزش دارد ولی شما به خاطر یک وام ۴ میلیون تومانی سند آن را نزد بانک گرو می‌گذارید در حالیکه در کشورهای دیگر تا ۱۰۰٪ یا ۹۷٪ قیمت خانه را وام می‌دهند. حال در کشور ما چون مبلغ mortgage خیلی پائین است، assetهای بانک خیلی زیاد است. و این می‌تواند منابع بیشتری برای بانک بیاورد. دوباره روی این منابع هم structure می‌گذارند. به اینها Drivatives گفته می‌شود و این مباحث قسمتی از بحث securitization است، آن قسمتی که به Drivativesها بر می‌گردد.

یک مثال دیگر بزینیم ما می‌خواهیم معاملات آینده را انجام دهیم یا اینکه قصد داریم در آینده یک کالایی را خریداری نماییم. وقتی که صحبت بیع را می‌کنم ۴ حالت وجود دارد: ۱- هم ثمن و هم مثن هر دو حال هستند (spot trading) ۲- ثمن حال و مثن مؤجل است ۳- ثمن مؤجل و مثن حال است ۴- هر دو مؤجل هستند و این حالت چهار تا جایی که یادم هست از نظر فقه شیعه اشکال دارد. و این همان چیزی است که ما تحت عنوان Futures می‌شناسیم. البته خیلی از اهل تسنن آن را قبول دارند. در جده یک آکادمی وجود دارد تحت عنوان «فقه آکادمی جده» که بحث و مطالعه در مورد Future را از سال ۱۹۸۶ شروع کرده‌اند تا ببینند از کدامیک از این بیع‌ها می‌توانند در بازارهای مالی استفاده کنند. یکسری مثال آقای احمد محی‌الدین حسن، روی optionها خیلی کار کرده است و بیان می‌کند که بعضی از قسمت‌های آن مشکل ندارد. مهم این است که ما به دلائل نگاه کنیم البته با این رویکرد که ببینیم چه نیازی داریم. خلاصه این که با این تعریفی که ما از بازارهای مالی کردیم یک جایی باید برای این بحث‌ها بگذاریم و فکر کنیم و کار کنیم. دانشگاه امام صادق(ع) جای خوبی برای این کار می‌تواند باشد به دلیل اینکه ما در هر دو حوزه تقریباً وارد شده‌ایم. یا حداقل افراد این دانشگاه ادبیات این دو بحث را متوجه می‌شوند. یکی بحث‌های مالی و بازارهای سرمایه و پول است و دیگری بحث‌هایی است که تحت عنوان فقه اسلامی می‌آید. لزوماً کسی هم که می‌خواهد در این زمینه‌ها کار کند لازم نیست علقه مذهبی داشته باشد. بلکه به تخصص کارشناسانه احتیاج دارد.

ما ابتدا باید بدانیم که این ابزارها با چه رویکردی طراحی شده‌اند. ما ابتدا باید بدانیم بازارهای مالی به چه صورت کار می‌کنند و ابزارهای مالی چه کارکردهایی دارند و frameworkهای ما چیست؟ چهارچوبهای ما چیست؟ چهارچوبهای ما در معاملات به چه صورت است؟ من به یاد دارم که امام (ره) می‌فرمودند: این بحث معاملات را اگر در قالب بیع ببینیم آنگاه اگر هر دوی ثمن و مثن مؤجل باشد اشکال وجود دارد اما اگر در قالب صلح ببینیم یک حکم دیگری دارد. پس ما باید این چهارچوبها را بیرون بیاوریم و اگر گفتند این چهارچوبها را از کجا آورده‌اید می‌گوئیم از فقه آورده‌ایم. و در حقیقت اگر آن را از فقه بیاوریم می‌توانیم آن را به عنوان یک چارچوب برای بانکداری اسلامی قرار دهیم. علم Financial Engineering (مهندسی مالی) همین است، یعنی علم طراحی کردن ابزارهای مالی. اما این علم باید بر مبنای نیازهای خودمان باشد و این کار مشکلی نیست و به راحتی می‌توانیم این نیازها را شناسایی کنیم. ببینیم مثلاً مردم اگر الان پول دارند مشکل‌شان چیست. آیا این ابزارهایی که الان وجود دارد تحت عنوان سپرده‌گذاری و مشارکت ... می‌تواند این نقدینگی‌ها را جذب کند. اگر نمی‌تواند دلایل چیست و این نیازها چیست که این ابزارها برای آن جواب نمی‌دهد. بعد می‌توانیم این ابزارها را وارد بازار داخلی مان بکنیم. بازار بورس ما لازم نیست همان Instrumentهایی که هم اکنون در حال استفاده است را مبادله کند. این ابزارها مربوط به مدت‌ها قبل است. اخیراً ابزارهای جدیدی هم در بورس ما

مطرح شده مثل سهام همراه با اختیار فروش یا imbedded put option که «فقه آکادمیک جده» چندین بار بحث imbedded put option روی سهام را رد کرده است. آنها متعقدند که در این ابزار باید یک سری تغییرات صورت بگیرد تا اسلامی شود. چون وقتی شما put option می‌دهید Issure یک چیزی را گارانتی می‌کنید. (همان put option را مطرح می‌کنم که اخیراً در بورس مطرح شده است و ۱۵٪ بازدهی را برای خریدار سهام تضمین می‌کند.)

چون این بحث بحث اولیه‌ای که در مورد Risk و Return مطرح شد یک تفاوتی دارد. برای اینکه شما وقتی گارانتی می‌کنی در حقیقت در عقد خرید و فروش یک شرط ضمن عقد قرارداده‌ای که این شرط می‌تواند ایجاد شائبه کند. ثانیاً بدون گرفتن ریسکی یک بازدهی حداقل را تضمین می‌کنی. آقای تقی عثمان در فقه آکادمیک جده کارهای خیلی خوبی در این زمینه انجام داده است و با ایجاد تغییراتی در options، امکان استفاده از آن را ممکن است فراهم کند.

یکی از جاهائی که خیلی خوب می‌تواند در این زمینه‌ها کار کند خود دانشگاه است. حداقل در حوزه مالی سه دانشکده مدیریت، اقتصاد و حقوق می‌توانند با هم همکاری کنند و این همکاری خیلی مهم است و خیلی جاها نمی‌شود، جدا کار کرد. مثلاً آن قسمت‌هایی که به قراردادها مربوط می‌شود حتماً به مباحث حقوقی احتیاج دارد. یک بخش دیگر از آن هم مفاهیم اقتصاد و یک قسمتی هم مفاهیم مالی است. ما اگر تصور کنیم مثلاً آن Risk management که در سایر کشورها وجود دارد ۱۰۰٪ مناسب کشور ما و قابل اجراست به نظر من تصور درستی نیست. و حتی آن رویکرد را که ما می‌آوریم و بعد آن را از نظر اسلامی بودن بررسی می‌کنیم و می‌خواهیم مشکلات آن را رفع کنیم مثلاً می‌گوئیم Futures این مشکلات را دارد و بخاطر این مشکلاتش ما نمی‌توانیم از آن در چارچوبهای اسلامی استفاده کنیم به نظر من این رویکرد یک مقدار ایراد دارد و یک چیزهایی را نایده می‌گیرد. همانطور که تا بحال نادیده گرفته و آن نیازهای اصلی است که ما در بازارهای مالی داریم.

اگر بحث Drivatives را خلاصه کنیم، بحث بر سر اهمیت آنها بود. یکسری آمار و جداولی را من خدمت شما عرض می‌کنم. برای سال ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ به صورت مقایسه‌ای آمار Drivatives‌ها به این صورت است. مجموعه Drivatives‌هایی که در یک هفته در بازار OTC استفاده شده در Large Firms یا شرکت‌های بزرگ ۳۷۰۴ بوده است که این مجموع قراردادها در سال ۲۰۰۴، ۳۷۰۰ و در ۶ ماهه اول سال ۲۰۰۵ تعداد این قراردادها به ۵۹۴۰ تا رسیده است. یعنی ۵۹۴۰ تا نسبت به ۳۷۰۰ تا نشان می‌دهد تعداد اینها چقدر افزایش پیدا کرده است. به عبارت دیگر کاربرد اینها در بازار مالی چقدر افزایش پیدا کرده است. از نظر رقمی فقط cross currency‌های swoap در شش ماهه اول ۲۰۰۵، ۲۰۱ تریلیون دلار بوده است. در حالیکه در

سال ۲۰۰۴، ۱۸۳ تریلیون دلار بوده است. باز از نظر حجم عملیات ببینید جایگاه Derivatives ها در دنیا کجاست.

و می‌توان گفت در بازارهای مالی ۵۵ تا ۶۰ درصد حجم عملیات مالی مربوط به Derivatives ها است. این Derivatives ها هستند که عمدتاً نقش آرام کردن این بازارها را دارند. چون بعضی وقتها برخی بازارهای مالی با بحران مواجه می‌شوند و دچار افزایش یا کاهش زیاد می‌شوند و در دنیا یکی از ابزارهایی که برای جلوگیری از این افزایش و کاهش‌های زیاد به کار می‌رود همین Derivatives ها است. در ایران خیلی کم در این زمینه کار کرده‌ایم. همچنین در زمینه اوراق مشتقه‌ای که می‌توانیم برای دارائی‌ها طراحی کنیم هم که کار کرده‌ایم. نکته آخر در این حوزه مربوط به معاملات اینها در بازارهای بین‌المللی است. یک گروهی هستند که عمدتاً هم مسلمان بوده و در Bloomberg هم کار می‌کنند و دنبال این هستند تا Islamic derivatives را در بازارهای مالی دنیا عرضه کنند (البته برخی از اینها در بازارهای دنیا مبادله می‌شود) و به صورت روز به روز و دقیقه به دقیقه قیمت‌گذاری شوند و این عرضه به صورت مستمر باشد تا شما در هر جای دنیا این اوراق را بخواهید به سرعت در بازارهای اسلامی خریداری کنید که این یک نکته خوبی است. ما نیز می‌توانیم یک venture و سهمی را برای بازار خودمان تعیین کنیم و یک سهمی را هم خودمان در بکارگیری آنها داشته باشیم. کسانی که از مشتقات استفاده می‌کنند را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

#### ۱- hedger (پوشش دهندگان ریسک) ۲- آربیتراژرها ۳- speculator (سفته‌بازان)

عموماً مشکلی که این Derivatives ها از نظر فقه اسلامی دارند در بحث speculator ها است. چون بحث آربیتراژرها به efficiency بازار کمک می‌کند و هرچه بازار efficient تر باشد قدرت رقابتش بیشتر است و بر مبنای Risk و Return بهتر در این بازار می‌توان حرکت کرد.

و در بحث hedger ها، ما در بازار به آنها احتیاج داریم. Hedger ها از ابزار مشتقه برای پوشش ریسک استفاده می‌کنند. به عنوان مثال خیلی از خریدهای ما بر مبنای یورو است. (مثال ما روی currency است) وقتی که ما به یورو خرید می‌کنیم، این پول را ما در آینده می‌خواهیم پرداخت کنیم. فرض کنید ایران خودرو از پژو فرانسه ۱۰ میلیون یورو خرید می‌کند. ایران خودرو چون LC های ۱ ساله باز می‌کند الان خرید می‌کند و کالاهایش را وارد می‌کند و یکی دو سال دیگر قیمت آن را به یورو پرداخت می‌کند. فرض کنید امروز یورو ۱۱۰ تومان است و دلار هم ۹۰۷ تومان است. ما در کشورمان دلار را کنترل می‌کنیم و نرخ دلار را مجلس تصویب می‌کند. و سایر ارزها قیمت بین‌المللی شان به دلار تعیین می‌شود. مثلاً گفته می‌شود دلار ۹۰۷ تومان است و یورو در بازارهای بین‌المللی ۱/۴ دلار است و با ضریب ۹۰۷\*۱/۴ قیمت یورو تعیین می‌شود. سال دیگر که ایران خودرو قصد دارد قیمت کالاهای خریداری شده خود را به یورو پرداخت کند ممکن است قیمت یورو ۱/۵ برابر

دلار باشد. این برای ما یک ریسک است. آیا می‌توانیم این ریسک را پوشش دهیم؟ بله حتی در ایران هم می‌توان پوشش داد. (ایران خودرو در یکسال ونیم پیش به خاطر عدم پوشش ریسک ۸۰ میلیارد تومان ضرر کرد) و در نتیجه این بحث‌ها در عمل یک بحث جدی است ما خیلی به این hedgerها احتیاج داریم چون اکثر خریدهای ما به صورت دلار نیست و بیشتر خریدهای ما به currencyهایی غیر از دلار است. و این بحث hedgerها هیچ اشکالی ندارد (آنجایی که ما داریم از Drivativesها برای hedge کردن استفاده می‌کنیم).

همین طور آنجایی هم که از Drivativesها برای آربیتراژ استفاده می‌کنیم مشکلی وجود ندارد. آربیتراژ را برای اینکه بهتر بفهمیم یک مثال می‌زنم. فرض کنید گوشی موبایل نوکیا امروز در تهران ۱۰۰/۰۰۰ تومان باشد و در اصفهان ۹۰/۰۰۰ تومان باشد، یکسری از اصفهانی آن را می‌خرند و به تهران می‌آورند. بین بازارها بازار efficient بازاری است. که این قیمت‌ها آنقدر به هم نزدیک می‌شود که تفاوت بین قیمت‌ها بسیار کم می‌شود بطوریکه اگر آنجا قیمت ۱۰۰/۰۰۰ تومان است اینجا قیمت ۹۹/۲۰۰ تومان هم نیست چون سریع خرید و فروش صورت می‌گیرد. اگر بازار الکترونیکی را تصور کنید براحتی می‌تواند اینجا بخرد و آن جا بفروشد). Drivativesهای آربیتراژ یعنی Drivativesهایی که استفاده می‌کنیم تا این عملیات آربیتراژی را انجام دهیم و این شکاف‌ها را از بین ببریم. اصطلاحاً می‌گویند آربیتراژها به کارایی بازار کمک می‌کنند. و در حقیقت هرچه بازار به کارا بودن نزدیک‌تر می‌شود اسلامی‌تر است. بعضی وقت‌ها فکر نکنیم ما باید به عقب برگردیم تا به آنها برسیم بلکه بر عکس است. وقتی شما سهام را براساس اطلاعات داخلی مبادله می‌کنید ( Inside Informantion) از نظر اسلامی مشکل دارد. (خود سهام مشکل ندارد ولی اگر براساس Inside Information مبادله شود اشکال دارد)

به عنوان مثال بنده عضو هیئت مدیره شرکت X هستم و اطلاع دارم که امروز یک زیانی برای شرکت بوجود آمده است و این زیان را اگر به بازار اعلام کنیم قیمت سهام ما پائین می‌آید و قرار است ۲ روز دیگر به بازار اعلام کنیم. اگر من به آقای Y بگویم امروز شما سهام خود را بفروش، ایشان اگر این معامله را انجام دهد براساس Inside Information (اطلاعات داخلی) عمل کرده و درست است که مبادله سهام است ولی اشکال دارد. این موضوع در بازار غیر کارا اتفاق می‌افتد.

پس هر چه بازار به efficiency نزدیکتر شود به نظر می‌رسد این بحث‌ها شفاف‌تر است. و آن عملیات آربیتراژ این کارکرد را به دنبال دارد.

پس به طور خلاصه در Drivativesها، hedgerها مورد نیاز می‌باشد و در Islamic Finance هم به طور جدی در حال استفاده است. در آربیتراژها هم همین طور است ولی در مورد speculatorها به نظر

می‌رسد که مشکل وجود دارد. عملیات *speculator*ها در این چهارچوبی که ما داریم تعریف می‌کنیم مشکل خواهد شد.

### جمع‌بندی

اگر بخواهیم بحث را جمع‌بندی کنیم ابتدا بانکداری اسلامی را به یک دید دیگر مورد بررسی قرار دادیم. خلاصه بانکداری اسلامی را مطرح کردیم که از ۱۹۶۳ در مصر شروع شد. گفتیم در ایران، هم از نظر طراحی و هم از نظر کاربردی نیاز به کار جدی داریم. در این ۲۰ ساله که ما کمترین کار را در بانکداری اسلامی انجام داده‌ایم در خارج بیشترین کار در بانکداری اسلامی انجام شده است. گفته شد جمع عملیات حوزه‌های اروپا و آمریکا در بانکداری اسلامی نزدیک به ۳۰۰ میلیون دلار است و درحقیقت مهمترین نکته *intention* یا قصد ماست یعنی ما باید بخواهیم که به این حوزه وارد شویم.. به عنوان مثال بانک مرکزی ما برای اولین بار می‌خواسته در اروپا اوراق قرضه منتشر کند و برای این کار اوراق قرضه (دارای بهره و ربوی) منتشر کرده در حالیکه در کشور امارات از سکوک استفاده شده است. ما به خوب یا بد آن کار نداریم و صحبت بر سر نیت است. امروزه سکوک در دنیا شناخته شده است و سکوک در حقیقت اوراق قرضه بین‌المللی است که در آن مسائل فقهی و شرعی هم دیده شده است و عمدتاً هم توسط کشورهای عربی استفاده می‌شود و اخیراً هم تعدادی از بانک‌های انگلیسی در حال منتشر کردن آن هستند.

وقتی ما می‌گوئیم *Finance*، یعنی تأمین مالی بین‌المللی بعد مجلس می‌گوید که این شیوه تأمین مالی ربوی است، بعد شورای نگهبان می‌گوید چون ربوی است رد شده است بعد به مجلس بر می‌گردد و به مجلس تشخیص مصلحت فرستاده می‌شود و آنجا به خاطر مصلحت نظام تصویب می‌شود. در حالیکه تأمین مالی بین‌المللی لزوماً ربوی نیست. و آن ۳۰۰ میلیارد دلار حجم عملیات بانک‌های اسلامی را من به همین خاطر عرض کردم. ما چقدر در آن سهم داشته‌ایم؟ صفر. چرا؟ برای اینکه نخواسته‌ایم. ما یک زمانی می‌خواستیم در دنیا از روش مالی اسلامی استفاده کنیم اکنون از آن مقداری هم که هست، قصد نداریم استفاده کنیم و فکر می‌کنیم در خارج هرچه تأمین مالی است ربوی است. ترجمه طرف دیگر آن این است که غیر از ما هم مسلمان در دنیا وجود دارد و برای آنها هم این مسائل مهم است. به همین دلیل من فکر می‌کنم که به این محصولات مالی باید بیشتر توجه شود، مثل همین سکوک که وارد بازارهای دنیا شده است. خیلی از بانک‌های انگلیسی به خاطر منافع شخصی سکوک را می‌خرند. (سکوک اوراق قرضه اسلامی است)

ما خیلی وقت‌ها در *Finance* اسلامی می‌گوئیم این عادلانه نیست. به عنوان مثال در *option*ها، آقای ابوسلیمان یک کتابی نوشته و یکی از مواردی را که به *option* ایراد می‌گیرد این است که می‌گوید در



option آن کسی که می‌خرد منافع بیشتری می‌برد تا کسی که می‌فروشد. به همین خاطر این Fair نیست و به آن ایراد وارد کرده است در ۶، ۷ ماهه اخیر بانک FSA (قدرتش مانند بانک مرکزی است و بر بانک‌ها نظارت می‌کند) یک گزارشی را منتشر کرده است و می‌گوید کارت‌های اعتباری (creditcard) را که شما به مردم می‌دهید، در پاره‌ای از موارد که آنها نیاز دارند آن را ۲۵٪ شارژ می‌کنید این unfair است و عادلانه نیست. و این همان چیزی است که ما می‌گوئیم البته یک معنای دیگر یعنی یکی از اساس‌هایی که ما داریم این است که Finance اسلامی باید عادلانه باشد مثلاً یک نفر قصد دارد ازدواج کند. شما ۱۰۰ هزار تومان به او عرض می‌دهید و می‌گویید ۱۵۰ هزار تومان به من برگردان. بنظر می‌رسد هرکجا که این بحث مطرح شود می‌گویند عادلانه نیست و غیرمنصفانه است. به نظر می‌رسد که اگر ما بتوانیم این چهارچوب را رعایت کنیم خیلی کارها می‌توانیم انجام دهیم.

آیا ما که این همه از سرمایه‌گذاری خارجی صحبت کردیم آیا اصلاً به سمت این رویکرد حرکت کرده‌ایم تا اینها را جذب کنیم و یعنی Instrument‌هایی طراحی کرده‌ایم؟ بعضی وقت‌ها وقتی به خودمان نگاه می‌کنیم می‌بینیم خود ما نیز تمایل داریم که از ابزارهای آنها استفاده کنیم. یعنی پیش فرض ما این است که آن سیستمی که هست برای ما مناسب است و خیلی خوب جواب می‌دهد، ولی اگر بخواهیم این کار را بکنیم خیلی مشکل پیدا می‌کنیم چون ما می‌خواهیم آن سیستم را بیاوریم و درست هم آن را اجرا نکنیم (چون باید یک تغییراتی در آن سیستم به وجود آوریم) قطعاً به مشکل برخوردیم خورد. ولی اگر نگاه واقع‌بینانه‌ای داشته باشیم و در تأمین مالی به نیازهای خود فکر کنیم بهتر می‌توانیم عمل کنیم.